

# آیا بحران اتمی روبه پایان است؟

کاظم نیکخواه



رفع تحریمها و کشاکشها خواهیم بود؟

بگذارید از همین ابتدا یک نکته را تاکید کنیم: کل این کشاکش و بحران کشاکشی میان دولتهای ارتجاعی و ضد مردمی است که هرروز دارد دودش به

صفحه ۲

دوست داشتنی است و حتی عمامه و عبای روحانی مد زیبای روز جلوه میکند! (اوایل روی کار آمدن خاتمی و سفرش به اروپا را بیاد می آورید؟)

داستان چیست؟ چه اتفاقی دارد می افتد؟ میگویند جمهوری اسلامی این بار با یک دولت جدید و کاملا متفاوت و پیشنهادات جدید و مثبت و سازنده جلو آمده است. این تصویری است که بیشتر رسانه ها اما نه همه آنها میدهند. سوال اینست که آیا میتوان به این خوش بینی اتکا کرد؟ آیا همین چند ماه آتی شاهد بسته شدن پرونده اتمی جمهوری اسلامی و

جنجال و بالماسکه ای که این روزها بر سر "تلاشها و گامهای مثبت" دولت روحانی و تیم مذاکره کننده اتمی اش در غرب براه افتاده برآستی تماشایی است. آنچنان از اینکه وزیر خارجه حکومت اسلامی به زبان انگلیسی حرف میزند (عجب هنری!) و لبخند به لب دارد و طرحهایش را با لپ تاپ و پاور پوینت معرفی کرده است و امثال اینها سخن میگویند که گویی شاهد شعر گفتن یک خرس قطبی هستند. در کانالهای تلویزیونی شان که آخوند معمولا عقب مانده و کپک زده معرفی میشود، این روزها آخوند یک موجود

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۲۷

جمعه ۲۶ مهر ۱۳۹۲، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۳

## در تقابل با جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران

گزارش یک هفته فعالیت

مینا احدی

صفحه ۱۱

## بمباران شهرها و کشتار مردم سوریه توسط رژیم اسد ادامه دارد

محمد شکوهی

صفحه ۸

## اعدام پس از اعدام، قتل عمد مضاعف

مهراب دشتی

صفحه ۹

## با ج خواهی دادگاه تجدید نظر استان کردستان از فعالین کارگری

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

## روحانی، حکومتش و کل نظام اسلامی متهمند

انگشت اتهام بسوی روحانی، حکومتش و همچنین کل نظام اسلامی است. در نظامی که هیچگاه از جنایت دست نکشیده است، مهم نیست چه کسی رئیس دستگاه خونریزی آن باشد

مصاحبه با مینا احدی

صفحه ۴

## دولت روحانی و غولی به نام "هدفمندی یارانها"

شهلا دانشفر

صفحه ۳

## مساله هسته ای و نقش مردم!

مصطفی صابر

صفحه ۶

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## آیا بحران اتمی روبه پایان است؟

چشم کارگران و مردم محروم می‌رود. حل بحران اتمی و پایان یافتن تحریمها (اگر واقعا عملی شود) بیش از همه به نفع کارگران و مردم ایران است. این کارگران و مردماند که بیشترین لطمات را از جنبه های مختلفی متحمل میشوند. کمیابی و گرانی فزاینده کالاها، تشدید فشار و سرکوب، نا امنی و خطر جنگ، و انواع بهانه ها و فشارهایی که حکومت به این بهانه بر مردم وارد میکند بخشی از آسیبهایی است که این بحران دارد به زندگی مردم وارد میکند. در عین حال کارگران و مردم ایران بارها و بارها به زبانهای مختلفی اعلام کرده اند که سلاح هسته ای و انرژی هسته ای نمیخواهند و در تقابل با حکومتی ها که شعار انرژی هسته ای حق مسلم ماست را سر میدهند، فریاد زده اند "زندگی انسانی حق مسلم ماست". در عین حال کارگران و مردم ایران از هر معامله و سازشی میان دولتهای سرمایه داری غرب و جمهوری اسلامی استقبال نمیکنند و نباید بکنند. همین اکنون شاهدیم که همزمان با مرادفات عاشقانه سران حکومت اسلامی و دولتهای غربی، اعدامها در ایران گسترش یافته است و نهادهای به اصطلاح "حقوق بشری" غرب و دولتهایشان اشاره ای به این جنایات نمیکنند.

### داستان اتمی

روشن است که جمهوری اسلامی با تنگ شدن حلقه محاصره اقتصادی توسط آمریکا و غرب به تنگنایی جدی افتاده است و اقتصادش رو به فروپاشی کامل می‌رود. خشم و اعتراض مردم در سطح جامعه روبه گسترش است و این حکومت خود را بطور جدی زیر این فشار می بیند که راهی برای رفع تحریمها بیابد. به همین دلیل حاضر است در مورد مساله اتمی بدرجه ای عقب بنشیند. اما میخواهد این عقب نشینی در حدی باشد که بتواند در داخل ایران آتراً بعنوان پیشروی و پیروزی جا بزند. همین روزها در اوج ابراز خوش بینی ها، یکی از مقامات دولت آمریکا در مورد بسته پیشنهادی جمهوری اسلامی چنین گفت "می توان گفت که ایران می خواهد گام های خیلی کوچکی برای برنامه هسته ای خود بردارد در حالی که در مقابل توقع نتایج خیلی بزرگی دارد." برخی گزارشها میگویند جمهوری اسلامی گفته است حاضر است فعلا غنی سازی در سطح ۲۰ درصد را متوقف کند، فعالیت پایگاه فردو را موقتا متوقف سازد و فعالیت نیروگاه قم را هم فعلا تعطیل نماید. در عین حال تاکید کرده است که امکان غنی سازی را نمیخواهد از دست بدهد و داشتن تجهیزات و حق غنی سازی "خط قرمز" حکومت است و تحریمها باید فوراً کاهش یابد. برای غرب و مشخصاً آمریکا دقیقاً مساله همین خط قرمز است که باید شکسته شود. و همچنین گروه ۵+۱ بر این تاکید دارد که نیروگاههای مخفی شده

در زیر کوهها مثل نیروگاه قم باید تماما تعطیل و برجیده شود و همچنین بازرسان بین المللی این امکان و حق را داشته باشند که هر وقت خواستند سرزده به بازرسی تاسیسات ایران بپردازند. اینها رئوس اختلاف است. اما این هنوز تمام ماجرا نیست. هرکدام از طرفین اگر امکانش را داشته باشند (و این "اگر" مهم است) ممکن است اینجا و آنجا از این "خطوط قرمز" خود نیز عقب بنشینند تا سازشی صورت گیرد.

اما مساله اینست که رسیدن به اهدافی که پشت این کشاکش اتمی چندین ساله قرار دارد برای هر دو طرف از خود مساله اتمی مهتر است. غرب میدانند که جمهوری اسلامی در سه کنج قرار گرفته و در نتیجه به سادگی در مقابل این حکومت کوتاه نمی آید. بویژه آمریکا که بیشترین "زحمات" را برای به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی متحمل شده است حاضر نیست با یک عقب نشینی ساده کوتاه بیاید. در واقع دولت آمریکا و بدرجه ای هم پیمانان اروپایی اش نمیخواهند یک دولت تروریست و سرکش مثل جمهوری اسلامی در منطقه وجود داشته باشد و در راه اهداف و سیاستهای آنها مدام سنگ اندازی کند. یعنی اختلاف فقط بر سر مساله اتمی نیست. موضوع عراق و افغانستان و حمایت از تروریسم در لبنان و سوریه و کلا نقش جمهوری اسلامی در منطقه و امکان بهره برداری سرمایه های آمریکائی از بازار اقتصادی ایران و همه اینها روی میز است. همین روزها سناتورهای آمریکائی هم از حزب دموکرات و هم از حزب جمهوریخواه به اوپاما هشدار داده بودند که نه فقط نباید تحریمها را کاهش داد بلکه باید آنها را افزایش داد زیرا در شرایط ضعف جمهوری اسلامی امکان عقب راندن هرچه بیشتر آن و امتیاز گرفتن مهیاتر است. همه چیز گویای اینست که در دولت آمریکا شکافی بر سر مساله جمهوری اسلامی بروز کرده است.

جناحهای جمهوری اسلامی نیز میدانند که عقب نشینی در برابر غرب موقعیت حکومتشان در داخل ایران و مقابل مردم را بسیار تضعیف میکند. دولت روحانی و جناح رفسنجانی که پیشاپیش کل این سیاستها قرار دارد طی همین یکی دو هفته گذشته بشدت مورد حملات تند آخوندها و دست اندرکاران جناح خامنه ای بوده است. حتی دستجات لباس شخصی همین هفته جاری سخنرانی رفسنجانی در کرمانشاه را با شعار "مرگ بر آمریکا" مختل کردند و گویا او را فراری دادند. در این زمینه بسیاری فاکتورها از عمق شکافهای درون حکومت وجود دارد که نشان میدهد شکاف در درون حکومت از همیشه عمیق تر شده است. مخصوصاً که این بار این سیاست خامنه ای است که عقب رفته است و جناح رفسنجانی با روی کار آمدن روحانی قوی تر شده است.

در یک کلام چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران بر خلاف ارزیابی جریانان سطحی و فریبکار آرام شدن اوضاع و تقویت جمهوری اسلامی و به جریان افتادن اقتصاد نیست. برعکس جنگ و کشاکش در داخل جناحهای جمهوری اسلامی پا بپای مذاکره و کشاکش حکومت با دولتهای غربی شدت بیشتری می یابد. حتی اگر حکومت اسلامی به ناچار کاملاً تن به سازش با غرب بدهد و تحریمها برداشته شود و بحران اتمی پایان یابد که

احتمالی بسار ضعیف در آینده نزدیک است، این بهیچ وجه جمهوری اسلامی را در برابر مردم تقویت نمیکند. همه میدانند که اقتصاد جمهوری اسلامی قبل از این کشاکش و این تحریمها در بحرانی عمیق قرار داشت و گرانی و بیکاری میلیونی و تولید زیر ظرفیت مدام گسترش بیشتری می یافت و اکنون نیز کنار رفتن فرضی فشار تحریمها اقتصاد زمین گیر شده ایران را از زمین بلند نخواهد کرد. از نظر انسجام درونی و توان تعرضی نیز جمهوری اسلامی بهیچ وجه در موقعیت بهتری نخواهد بود. برعکس کارگران و مردم که از سرکوب و خفقان و فقر و بیکاری و گرانی به تنگ آمده اند، امکان می یابند که با دست بازتری دست به تعرض بزنند و این حکومت را در برابر خواستههای خود به زانو در آورند.

در یک کلام میتوان به این نتیجه رسید که سرنوشت بحران اتمی هرچه باشد، چشم انداز فوری اینست که صفوف حکومت اسلامی سرمایه داران از همیشه درهم ریخته تر شود و این حکومت در برابر مردم از همیشه ضعیف تر از این ماجرا بیرون آید. طبعاً استفاده از این شرایط برای پیشروی مبارزات مردم و کارگران بستگی به هوشیاری رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی مثل جنبش کارگری و زنان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم دارد.\*

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج

۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,  
127 02 Skärholmen - Sweden

## دولت روحانی و غولی به نام "هدفمندی یارانه‌ها"

شهلا دانشفر



اندر کاران اقتصادی دولت روحانی انعکاسی از بحشایشان بر سر این موضوع است. بطور مثال اکنون بحث بر سر کاهش سه دهک از لیست یارانه بگیران است کاری که همان اول در برنامه احمدی نژاد نیز بود و او نتوانست آنرا پیاده کند و عقب نشست. بحث های بسیاری بر

سر اینککه اصلا معیار برای دهک بندی چیست را به راه انداخت و همین مباحث از يك سو به نزاع در درون خود حکومت شدت داد و از سوی دیگر بقول خودشان ترس از تنش های اجتماعی ناگزیرشان کرد که محتاط باشند و عقب بنشینند. اینها همه کلاف سردرگمی است که رژیم اسلامی و امروز دولت روحانی در آن گیر کرده اند.

مردم نیز تجربه دولت احمدی نژاد را دارند. دیدند که چگونه افزایش قیمت کالاهایی چون برق، گاز و آب بر روی قیمت تمام کالاهای دیگر تاثیر گذاشت و چگونه زندگی و معیشتشان را به تباهی کشاند. مردم تاثیرات به اجرا گذاشته شدن مرحله اول این طرح و در نتیجه بیکارسازی های وسیع و به تعطیلی کشیده شدن بسیاری از کارخانجات تحت عنوان گران شدن سوخت را در زندگی واقعی خود تجربه کرده اند. روشن است که کارگران و توده های مردم زیر بار اجرایی شدن چنین

ادامه صفحه ۷

سویی دیگر با خزانه ای خالی با ۲۰۰ میلیارد تومان بدهی روبروست. خزانه ای که برای پرداخت طلب ۷۶ میلیون یارانه بگیر که طلبکارش هستند و کوتاه نیز نمی آیند، بیش از هشتاد هزار میلیارد تومان کسری دارد.

از همین رو اولین وعده روحانی به مردم ادامه پرداخت یارانه های نقدی بود تا بتواند اجرای مرحله دوم این طرح را در دستور بگذارد. تا بلکه در سایه پرداخت چندرغاز "یارانه نقدی" چندین برابر پول از جیب مردم بیرون کشد و طرح بیجانسان را به جایی برساند. در همین راستا يك بخش مهم جلسات دولت از همان روز آغازش مساله اقتصاد بوده است. و اکنون بعد از سبک سنگین کردن و بررسی و تحقیقات بسیار، به این نتیجه رسیده اند که قطع کامل یارانه ها را بتدریج به اجرا درآورند. اما از پیاده کردن آن وحشت دارند و سعی میکنند آنرا بتدریج به خورد کارگران و مردم دهند. برای همین نیز گمانه زنی ها شروع شده است و سخنان نوبخت، طیب نیا و دیگر دست

از جمله حجاب ها هر روز عقب ترفت و پرچم اسلامشان بیشتر و بیشتر به حضيض افتاد، جنبش علیه فقر و گرانی گسترده شد و بصورت پرداخت نکردن قبض های برق، گاز و آب تبدیل گردید. به طوریکه تنها يك قلم از آمارهایشان عدم پرداخت قبض های گاز توسط بیش از ۴ میلیون نفر از مشترکین آن بود. اینها همه به روشنی علت شکست مرحله اول اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و شکست دولت احمدی نژاد را به روشنی نشان میدهد. دولت روحانی نیز بدون شك سرنوشتی جز همین داستان نخواهد داشت. و اکنون سرانجام کار دولت احمدی نژاد و

مخمصه ای که جمهوری اسلامی امروز در آن اسیر است حقانیت گفته هایمان را به روشنی نشان میدهد. اما برآستی امروز ماموریت دشواری بر دوش دولت روحانی است. دولت روحانی ماموریت بلند کردن جسد طرحی مرده و شکست خورده را بر دوش دارد. از یکطرف ۷۶ میلیون یارانه بگیر را در مقابل خود دارد و از

کند، نتیجه اش صندوق خالی و بدهی ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی آن به سیستم بانکی شده است. در بحث هایشان دارند از این سخن میگویند که دولت در اجرایی کردن این طرح در سال ۹۱ نتوانسته همه منابع لازم را محقق کند و طبق بررسی های دیوان محاسبات تنها ۵۲ درصد درآمدهای "هدفمندی" از محل های پیش بینی شده، محقق شده است. معنای واقعی همه این اعداد و ارقام چیزی جز اعتراف به شکستشان نیست. اما نکته جالب اینجاست که در آمار و ارقامشان از همه چیز سخن بر زبان می آورند جز بیان صریح و روشن علت این نتوانستن ها.

ما همان ابتدا بر محتوم بودن شکست طرح "هدفمند کردن یارانه ها" تاکید کردیم. اعلام کردیم که بحران اقتصادی همزاد جمهوری اسلامی است و این رژیم برای آن راه حلی ندارد. اعلام کردیم که يك شرط اجرایی کردن چنین طرحی در جامعه، به اختناق کشیدن جامعه است و رژیم اسلامی قادر به آن نخواهد بود. احمدی نژاد نیز که با حمایت ولی فقیه و با ماموریت مختنق کردن کامل جامعه و اجرایی کردن طرح ریاضت اقتصادی رژیم اسلامی روی کار آمد و ماشین سرکوب و جنایتش را تماما به کار انداخت، نتوانست جامعه را به عقب برد. دیدیم که علیرغم سرکوب خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸، چگونه جنبش کارگری به يك فاکتور مهم سیاسی در سیر تحولات جامعه تبدیل شد و جنبش اعتراضی در عرصه های مختلف نبرد علیه رژیم اسلامی، شیوه های مختلف خود را پیدا کرد و تداوم یافت.

این عنوان مطلبی در سایت ایسنا و موضوع بحث در بسیاری از رسانه های دولتی است. این سر تیتیر در عین حال بیان طرحی شکست خورده تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" یعنی همان طرح ریاضت اقتصادی رژیم اسلامی است. محمد باقر نوبخت، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی دولت روحانی در این هفته از کسری تلویزیونی در این هفته از کسری ماهانه هزار میلیارد تومان در بودجه دولت برای پرداخت نقدی یارانه ها سخن گفته و بر این اشاره دارد که این کسری ماهانه مطابق قانون باید از محل افزایش ۳۸ درصدی قیمت کالاهای حامل های انرژی، سوخت، برق و آب تأمین شود. او در عین حال از احتمال حذف سه دهک بالای درآمدی از جمع یارانه بگیران خبر میدهد. به گفته وی دولت ماهانه ۳ هزار و پانصد میلیارد تومان یارانه به بیش از ۷۶ میلیون نفر پرداخت می کند. نوبخت گفته است احتمال قطع کامل یارانه ها هم وجود دارد. در واقع این چشم انداز واقعی است که مقابل طرح یارانه ها وجود دارد.

سخنانی نوبخت بطور واقعی خبر از موج جدیدی از گرانی و وارد آوردن شوکی دیگر بر زندگی و معیشت مردم است که خودشان دارند از آن بعنوان يك جراحی بزرگ اقتصادی سخن میگویند و به عواقب اجتماعی اش هشدار میدهند. سخنان محمد باقر نوبخت در عین حال گویای بن بست و ورشکستگی اقتصادی رژیم اسلامی است. واقعیت اینست که طرحی که قرار بود بطور خالص و جدا از هر گونه مخارج دیگری صد هزار میلیارد تومان عاید دولت

**عادلانه ترین مزد روزانه هم در شرایط اجتماعی کنونی، ضرورتا معادل است با ناعادلانه ترین تقسیم حاصل کار کارگر که بخش بزرگترش به جیب سرمایه دار می رود و کارگر مجبور است فقط به آن مقدار که او را قادر به حفظ توانایی لازم برای کار و بقای نسلش میسازد، قناعت نماید.**

**فرودستی طبقه کارگر بر این حقیقت مبتنی است که طبقه کارگر مجبور است بجای دریافت همه محصول کارش در ازای کارش، به دریافت بخشی از محصول خودش - که مزد نامیده می شود - رضایت بدهد. سرمایه دار تمام محصول را بجیب میزند (مزد کارگر را هم از آن می پردازد) زیرا که او صاحب ابزار کار است. و به این جهت تا آن زمان که طبقه کارگر صاحب تمام وسایل کار - زمین، مواد خام، ماشین آلات و غیره - و از این طریق همچنین صاحب تمامی محصول کار خود نشده باشد، هیچگونه رهایی واقعی برای طبقه کارگر وجود ندارد.**

مارکس "نظام مزدها" - مه ۱۸۸۱

## روحانی، حکومتش و کل نظام اسلامی متهمند

انگشت اتهام بسوی روحانی، حکومتش و همچنین کل نظام اسلامی است. در نظامی که هیچگاه از جنایت دست نکشیده است، مهم نیست چه کسی رئیس دستگاه خونریزی آن باشد

مصاحبه با مینا احدی



انترناسیونال: شبه گذشته شما و تعدادی از کادرهای حزب کمونیست کارگری و همچنین فعالین علیه رژیم سوریه در نمایشگاه کتاب فرانکفورت حضور یافته و به حضور جمهوری اسلامی در این نمایشگاه اعتراض نمودید. ممکن است توضیح بیشتری بدهید که در آنجا چه گذشت؟

مینا / احدی: نمایشگاه کتاب فرانکفورت یکی از بزرگترین نمایشگاهها در سطح دنیا است. هر سال هزاران نفر از سراسر جهان در این نمایشگاه حضور بهم میرسانند. نویسندگان و صاحب نظران در مسائل مختلف از ادبیات و هنر تا سیاست و از ورزش تا تغذیه و غیره در این نمایشگاه با ارائه کتابها و همچنین بحثها و پانل های متعدد، در سه روز کار فشرده، به بحث و جدل و گفتگو و معرفی کتاب می پردازند. طبعاً یک موضوع محوری در این نوع نمایشگاهها احترام به آزادی بیان و آزادی ارائه نظرات از سوی نویسندگان است. در این نمایشگاه هر سال غرفه هایی از سوی کشورهای مختلف وجود دارد و از جمله جمهوری اسلامی ایران یعنی یک حکومت فاشیست و ضد آزادی عقیده و بیان، نیز سعی دارد از این غافله عقب نماند. اینها در کمال وقاحت و پررویی، غرفه سازمان می دهند و کتابهای سران حکومت جنایتکار اسلامی و از جمله کتابهای خینی و ارادل و اوباش اسلامی را به معرض دید گذاشته و سعی میکنند با عوامفریبی افکار عمومی بین المللی را ساکت کنند تو گویی در ایران نیز میتوان نوشت و

کتاب منتشر کرد و در آنجا نیز اوضاع عادی است. ما هر سال در مقابل غرفه جمهوری اسلامی میتینگ و حرکت اعتراضی سازمان می دهیم و هر سال خودمان یعنی حزب کمونیست کارگری ایران و یا کمیته علیه اعدام در آنجا غرفه داشته و افشاگری میکنیم.

این بار با همکاری و هماهنگی قبلی با فعالین و اپوزیسیون مترقی بشار اسد که دلشان از جنایات و همکاری حکومت اسلامی در سوریه خون است، به محل غرفه جمهوری اسلامی رفتیم. ما روز شنبه ۱۲ اکتبر این حرکت اعتراضی را انجام دادیم. قبل از اینکه داخل غرفه رژیم اسلامی برویم، دوستان سوریه ای در محوطه بیرونی نمایشگاه یک فلاش موب اجرا کردند که بسیار موثر بود و نمایشی بود از مباران شیمیایی مردم سوریه توسط بشار اسد و همکارانش یعنی حکومت اسلامی ایران، و سپس در محوطه راهپیمایی اعتراضی کوتاهی انجام دادند. بعد از آن به همراه ما وارد سالتی شدیم که بسیار بزرگ بود و ظاهراً دست اندرکاران رژیم اسلامی آترا برای فعالیتهای خود در فاصله روزهای ۹ تا ۱۳ اکتبر برگزار کنندگان نمایشگاه کتاب فرانکفورت کرایه کرده بودند. ما در مقابل یکی از غرفه های کوچکتر داخل محوطه رژیم اسلامی که تعدادی از دست اندرکاران نمایشگاه رژیم آنجا نشسته بودند، توقف کرده و ابتدا من چند کلمه حرف زدم و سپس مسئول گروه معترضین سوری، وفا جلال به زبان انگلیسی حرف زد و بعد محمد

امین کمانگر از کادرهای سرشناس و فعال حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کرد و سپس مجدداً وفا جلال به آلمانی حرف زد. ما قصد داشتیم که این سخنرانیها را ادامه دهیم که بدلیل اینکه مسئولین نمایشگاه به سوی ما آمده و خواهش کردند که اعتراض را چند ساعت عقب بیاوریم چرا که در همان نزدیکی به یک نویسنده برزیلی جایزه میدادند و صدای ما مانع کار آنها میشد، اعتراض را تمام کردیم.

ما در حال خروج از غرفه بزرگ جمهوری اسلامی بودیم که در مقابل در ورودی غرفه رژیم، من صدایی شنیدم، یک نفر با صدای بلند به دیگران میگفت این مینا احدی است، برگشتم دیدم حدود سی نفر از مسئولین و مقامات رژیم در آنجا جمع شده و یک حزب الهی جوان به آنها و به بقیه کسانی که در آنجا بودند، میگفت این مینا احدی است. منم به طرف این جمع رفته و گفتم آره من مینا احدی هستم همان کسی که اعدامیها را از جنگ شما بیرون میکشد، همان کسی که علیه سنگسار مبارزه کرده و پوزه رژیم شما را بخاک مالیده و این فرد مدام با صدای بلند میگفت این کمونیست است، تو گویی نقطه ضعفی را دارد بیان میکنند! حالت صورتش طوری بود که ظاهراً با این جمله میخواست تعدادی را علیه من بسیج کند، گفتم آره من کمونیست هستم و تو فاشیست هستی، این جر و بحث ادامه داشت و تعدادی سعی در آرام کردن آن فرد داشتند، که پلیس از راه رسید، در این هنگام پلیس در حال آرام

کردن جو بود، من در آنجا به آلمانی گفتم که مینا احدی هستم و مسئول کمیته علیه اعدام و سنگسار و آن فرد کماکان چیزهایی میگفت، پلیس از ما خواست که برویم و از دور دیدیم که به آنها میگفت مرز خودتان را بشناسید و شنیدم یک نفر از آنها را با خود برده است.

انترناسیونال: واکنش حاضرین در غرفه جمهوری اسلامی به حضور شما در آنجا چه بود؟

مینا / احدی: اولاً بازدید کننده از غرفه رژیم کم بود، ولی تعدادی مشغول بازدید در غرفه های اطراف و یا در حال عبور از آنجا بودند که همه با تعجب و در ادامه با سپاسی به ما نگاه میکردند. ما در حال افشاگری بودیم و بویژه سخنان وفا جلال که به دو زبان انگلیسی و آلمانی بود، مردم را متوجه کرد که داستان چیست. من در همان بحبویه اعتراضات دیدم که اولاً یک خانم از طرف برگزار کنندگان نمایشگاه به ما گفت که شما حق دارید و ما کاملاً شما را درک میکنیم و یک خبرنگار به من گفت این حرکت شما بسیار جالب است و ما می خواهیم در این مورد بنویسیم که چون شلوغ شد ما از محل خارج شدیم.

انترناسیونال: گفته میشود که در آنجا ناشرین مستقلی هم از ایران بوده اند، آیا حرکت شما اعتراض به حضور آنها نیز بوده است؟

مینا / احدی: ابداً ما به حضور ناشرین مستقل نه فقط اعتراضی نداریم، بلکه اینرا حق این ناشران میدانیم که در سطح بین المللی کارهای خود را ارائه

کنند. مسئله مهم اعتراض به حکومتی است که دهان همین ناشران مستقل را نیز می بندد و همان ناشران نیز کوهی از مشکلات دارند که میتوانند با این نوع حرکات اعتراضی زمینه پیدا کنند حرفشان را بزنند.

منم فکر میکنم در این جمع احتمالاً ناشرانی مستقل بودند، ما در آنجا سخنرانی که کردیم اساساً هدفش رو به حکومت اسلامی ایران بود. همان ناشر مستقل هم باید بداند و شاید

بهتر از ما میدانند که در ایران چه خبر است. همه چیز کنترل میشود، اجازه انتشار حرف و کتاب و بویژه نقد گرفته شده است. ناشرین با هزار داستان سانسور و دخالت رژیم و مشتکی ارادل و اوباش اسلامی دست و پنجه نرم میکنند و ناشرین بهتر از همه میدانند که این حکومت زبان میبرد و دهان میدوزد. من فکر کنم که آنها هم حتماً به این حرکت ما سپاسی دارند و طبعاً این حرکت را به خودشان نخواهند گرفت. ما به حکومت اسلامی ایران و حضور نمایندگان این حکومت در بنا به تعریف در دفاع از آزادی بیان است اعتراض کردیم و محمد امین کمانگر در سخنرانی خودش به زبان فارسی اینرا واضح اعلام کرد.

انترناسیونال: آیا فعالیتهای شما و حزب کمونیست کارگری ایران و یا کمیته علیه اعدام معطوف به این حرکت بود یا در نمایشگاه کتاب فعالیتهای دیگری هم کردید؟

از صفحه ۴

## روحانی، حکومتش و کل نظام اسلامی متهمند

مینا/حدی: ما در نمایشگاه کتاب از روز اول تا آخر حضور داشتیم. ما در این نمایشگاه دو غرفه داشتیم یکی در داخل ساختمان که غرفه بزرگی بود و بعنوان مرکز افشاگری علیه حکومت اسلامی و قوانین زن ستیز این حکومت توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرد، چرا که غرفه ما اساسا به موضوع زنان در کشورهای اسلام زده و ایران مربوط بود. در عین حال ما در مقابل در ورودی غرفه رژیم اسلامی در طبقه پایین نمایشگاه در محوطه آزاد که آنجا نیز پر از چادرهای اطلاعاتی و ... بود یک چادر بزرگ داشتیم که محل افشاگری علیه جنایات حکومت اسلامی و بویژه موضوع زندانیان سیاسی کارگران زندانی و موضوع اعدام بود. من در اینجا لازم میدانم از شهناز مرتب، محمد امین کمانگر، نوید محمدی، منیژه اتماسی، سیامک زارع، علی مطمئن و کامبیز و شهلا و ... و چندین نفر دیگر از فعالین حزب کمونیست کارگری و کمیته علیه اعدام و ایران سولیدارتی بخاطر چندین روز فعالیت مداوم در این نمایشگاه قدردانی کنم.

ما در این نمایشگاه روز ۱۱ اکتبر در یک پانل به دعوت رادیو سراسری آلمان در داخل نمایشگاه حضور داشتیم. در آنجا من به همراه دو نویسنده که از اسلام سیاسی و رفرف در اسلام دفاع میکردند، در یک گفتگوی یکساعته شرکت کردم که مورد توجه زیادی قرار گرفت این پانل و همان روز ۱۱ اکتبر ساعت هفت شب از رادیو سراسری آلمان نیز کل این گفتگو جدلی پخش شد.

انترناسیونال: شما در سخنرانی اخیر خود در شهر آخن و همچنین در نمایشگاه کتاب فرانکفورت و در کمپین های خود علیه اعدام به دولت جمهوری اسلامی حملات شدیدی کرده اید. اعدام هایی که در

ایران صورت گرفته توسط قوه قضائیه بوده است. آیا می توان دولت روحانی را در این زمینه محکوم کرد؟ بعضی از گروهها و شخصیت های سیاسی در مقابل این اعدام ها سکوت کرده و از دولت جدید حمایت می کنند و معتقدند که نباید آنرا تضعیف کرد. آیا نمی توان انتظار داشت که این دولت تغییرات جدی و مثبتی در پیش بگیرد و از دامنه سرکوب ها و فشارها کم کند؟

مینا/حدی: روحانی رئیس یک حکومت فاشیست و سرکوبگر اسلامی است. اینرا هیچگاه نباید از یاد برد. روحانی آمده که نظام را از فشارهای داخلی و همچنین خارجی نجات دهد. روحانی را از صندوق بیرون آوردند و چهره ای مثل روحانی را خامنه ای قبول کرد، برای اینکه این رژیم و این نظام با مشکلات و بن بست های عدیده ای روبرو است. مردم در ایران بعد از یک خیزش میلیونی و انقلابی در سال ۸۸ زخم خورده هستند و مشکلات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و ... کمر مردم را خم کرده است. این مردم مترصد فرصت اند که تکلیف رژیم را روشن کنند و اینرا همه سران رژیم اسلامی میدانند. از سوی دیگر غرب و امریکا و دولت های اتحادیه اروپا و غیره بعد از اتفاقات بزرگ در منطقه و ضعیف تر شدن موقعیت جنبش اسلامی و اسلام سیاسی، در صدد تحمیل فشارها بر حکومت اسلامی و رام کردن این حکومت هستند. تحریم های بین المللی فشار عظیمی را بر حکومت اسلامی تحمیل کرده است. صحبت از فروپاشی اقتصاد است که البته زمینه های و عوامل متعدد و چندین چند ساله دارد. همه اینها رژیم را وادار کرده است فکری به حال

خود بکند و قرار است روحانی این نقش را بازی کند. کم کردن فشارهای بین المللی و رسیدن به یک "تعامل" بقول خودشان با غرب و در عین حال همین روحانی باید مردم را ساکت نگه دارد. مهمترین فاکتور در داخل جنایت کردن و چنگ و دندان نشان دادن است که این کار را میکنند. اعدام بیش از ۲۵۰ نفر در یک فاصله چهار ماهه، بیلان مستقیم کار روحانی است. کسی که میگوید روحانی خبر ندارد و یا نمیتواند کاری بکند، فقط سفسطه بافی میکنند. روحانی در مورد همه چیز این چند ماهه نظر داد جز قتل و جنایتی که دستگاه زیر نظر او انجام میدهد.

انگشت اتهام بسوی روحانی، حکومتش و همچنین کل نظام اسلامی است. در نظامی که هیچگاه از جنایت دست نکشیده است مهم نیست چه کسی رئیس دستگاه خونریزی آن باشد، رفسنجانی یا روحانی و یا خاتمی و احمدی نژاد، این دستگاه جلادی کرده و با نشان دادن جنایتکار بودنش و ترساندن مردم به حیات ننگین خود ادامه داده است.

من در اینجا میخواهم تاکید کنم که اعتراض و مبارزه علیه اعدام و جنایات حکومت اسلامی بسیار مهم است و متاسفانه بخش بزرگی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران جدی نگرفته و جایگاه مبارزه با آنرا درک نکرده اند.

امروز تفاوتی که با دوره احمدی نژاد می بینیم اینست که روحانی با مشتی شعار در دفاع از حق زنان و یا مقابله با جنایت روی کار آمده و این حرفها را مردم به گردنش آویزان کرده اند، پس اگر تفاوتی هست اینست که باید با اعتماد بنفس بیشتر به خیابان رفت و این حکومت و روحانی رئیس آن را زیر فشار گذاشت و از حقوق اینها حقوق اولیه را بیرون کشید.

بنظر من مردم در ایران، رهبران جنبش های اجتماعی، جنبش علیه اعدام و یا جنبش در دفاع از حقوق زنان و جنبش

کارگری اینرا درک کرده و سعی دارند با اعتراضات اجتماعی و همچنین تشکیل نهادهای غیر دولتی و تشکلی یابی، از این اوضاع بیشترین استفاده را بکنند. همین چند روز پیش خودشان گفتند در این فاصله تقاضا برای اعلام موجودیت ۳۰ حزب به دستشان رسیده و یا تقاضا برای تشکیل دهها نهاد غیر دولتی. میخواهم تاکید کنم که رژیم اسلامی در موقعیت وضعیفی است و باید اینرا دید و اعتراضات را گسترش داد. حرکت اعتراضی ما در نمایشگاه کتاب فرانکفورت بخشی از این اعتراضات مهم

است. ما همیشه گفته ایم پای سران جمهوری اسلامی را باید از مجامع بین المللی کوتاه کرد و این حرکت ما را در ردیف کارهای قبلی ما مثل کنفرانس برلین بگذارید. حزب کمونیست کارگری ایران نقطه امید میلیونها نفر مردم رنج دیده و بویژه میلیونها جوان مدرن و مترقی و پیشرو در ایران است. ما با این نوع اعتراضات به این مردم و جوانان نوید میدهم که میتوانیم و باید این حکومت را سرنگون کنیم و بر ویرانه های این حکومت زندگی بهتر و روابط انسانی تری را بنیان نهیم این امکان پذیر است.\*

## مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما"  
در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل  
دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال ویز  
به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و

آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## مساله هسته ای و نقش مردم!

مصطفی صابر



کرد و این بنوبه خود آغاز پروسه اضمحلال جمهوری اسلامی است. اینها کسانی هستند که بسیاری شان در انتخابات اخیر در روزهای آخر تصمیم گرفتند به روحانی رای بدهند و اکنون فکر میکنند با حمایت و پشتیبانی از سیاست های او (در واقع بلوک رفسنجانی و خاتمی) میتوانند خامنه ای و حامیان او و مخالفان عادی کردن رابطه با غرب را عقب برانند. این گرایش همانطور که اشاره شد پر تحرك است و اگر وسیع تر از گرایش اول نباشد دستکم بیشتر به چشم می آید. توسط مدیای غربی بویژه بخش فارسی آن (نظیر بی بی سی) به شدت حمایت میشود و بنوعی میداندار است. البته گرایشات کوچکتر و حاشیه ای تر هم هست. نظیر گرایشات اصلاح طلبانه که دچار این توهمند که جمهوری اسلامی پروغرب هم میتواند داشت. یا حاشیه ای تر از اینها یعنی کسانی که تصور میکنند جمهوری اسلامی را با غرب ستیزی و سیاست های تانکونی میتوان ادامه داد و سرپا نگاه داشت. حتما تمایلات غریب و حاشیه ای دیگر هم میتواند باشد. (۱) اما تا آنجا که به گرایشات و تمایلات توده های وسیع بر میسرند بنظر میرسد دو گرایشی که ابتدا ذکر شد در جامعه ایران مسلط باشد.

از آنچه گفته شد چنین بر می آید که نقش و دخالتگری مردم در ماجرای هسته ای علیرغم اینکه نسبت به گذشته محسوس است و امیدبخش، اما هنوز يك نقش مستقل با شعارها و خواستها و ابزار تاثیر گذاری خاص خود نیست. این وضع را باید تغییر داد. اگر قرار است در رابطه بین غرب و جمهوری اسلامی اتفاقی به نفع مردم صورت پذیرد این فقط میتواند محصول دخالتگری فعال خود مردم باشد. برای مثال، گرایش اول که میتواند بسیار تاثیر گذار باشد بیشتر

ادامه صفحه ۷

نقطه اتکاء سیاست ما قرار گیرد.

در واقع اگر چیزی اینبار در مذاکرات هسته ای و رابطه غرب و جمهوری اسلامی حقیقتا و اصالتا متفاوت است و محصول تاکتیک و ترفند و منفعت مقطعی این و یا آنطرف نیست، و بهمین اعتبار هم میتواند منشاء حصول نتیجه متمایزی به نسبت تلاش های شکست خورده قبلی باشد، در تحلیل نهایی عامل حضور و دخالت مردم است. و اگر اینرا بپذیریم آنوقت سوال این است که نقش و دخالتگری مردم هم اکنون چگونه است؟ و چگونه میتواند ارتقاء یابد و چه جهت و هدفی را باید دنبال کند؟ میکوشم به سهم خود مختصرا به این دو سوال پردازم.

در عکس العمل ها و نظرات مردم دو گرایش اصلی را میتوان تشخیص داد. اول، کسانی که امیدی به این مذاکرات و اصولا نزدیکی غرب و جمهوری اسلامی ندارند. چرا که فکر میکنند مشکل خود جمهوری اسلامی است و تا وقتی این رژیم هست نمی تواند رابطه عادی با غرب برقرار کند. نتیجه عملی که این گرایش به آن میرسد این است که برای حل معضل باید شر رژیم اسلامی را از سر جامعه کند. دوم، گرایشی که فعالتر است، تصور میکنند مجموعه شرایط آماده است تا به جمهوری اسلامی عقب نشینی از مواضع ضد غربی اش تحمیل شود. بخش اعظم این گرایش دوم نه به جمهوری اسلامی توهمی دارد و نه خواهان بقای آنست، بلکه فکر میکنند این عقب نشینی را میتوان به رژیم اسلامی تحمیل

آن جمهوری اسلامی و غرب امروز پای میز مذاکره و تلاش برای حل و فصل "مساله هسته ای" و باز تعریف رابطه بین خود نشسته اند، بنوعی محصول تحرك و دخالت مردم در سیاست، چه در ایران، چه در منطقه و چه جهان است. یادمان نرود که نعره های اسلام سیاسی از نوع احمدی نژاد نه در خطابه سازمان ملل یا بر سر میز مذاکره با کشورهای ۱+۵ بلکه اساسا در فریاد تظاهرات های میلیونی "مرگ بر دیکتاتور" و با خون ندادا بر کف خیابانهای تهران، پاسخ گرفت و به یمن تویتر و یوتیوب در پیشگاه جهانیان "دولت مرده" اعلام شده بود. یادمان نرود که میلیتاریسم نوع بوش (که برای يك دوره سیاه خود را نقطه مقابل تروریسم اسلامی و در برابر "محور شر" تعریف میکرد) مدتها قبل در خود آمریکا شکست خورده بود و او با ما با وعده "تغییر" و با ژست "مشت گشوده" سرکار آمده بود. انقلابات خاورمیانه و جنبش های ضد سرمایه داری در غرب، در انقلابی ترین سال تاریخ بشر یعنی ۲۰۱۱، با قاطعیت اعلام کرد که این تحولات اتفاقی نبودند و دوره جدیدی در سیر تحولات دنیا و سیاست بین الملل شروع شده که مشخصه اصلی آن نقش و دخالتگری مردم است. درست بر متن عمومی این تحولات است که اکنون ما شاهد حضور و دخالتگری محسوس مردم در قبال "مساله هسته ای" و معضل دیرینه رابطه جمهوری اسلامی و غرب هستیم. و درست همین تغییر شرایط و بویژه فاکتور دخالتگری و نقش مردم است که باید مورد توجه و

در مدیای رسمی (بویژه امثال بی بی سی فارسی و صدای آمریکا) هم بطور قابل قیاسی نسبت به گذشته متفاوت است. این رسانه ها که سابقا ادعای مسخره "بی طرفی" را تکرار میکردند، حالا همان متاع سابق را با عباراتی نظیر "نظر شما جزو خبر ماست" میخوانند آب کنند و این را بطور برجسته در رابطه با مساله هسته ای میتوان مشاهده کرد.

حتی بر اساس همین مشاهدات ظاهری میتوان گفت که اینبار کاملا محسوس است که چك و چانه زدن بر سر رابطه غرب و جمهوری اسلامی (که مساله هسته ای محمل مشخص آنست) فقط دو طرف، یعنی آمریکا و غرب (بقول خودشان "جامعه جهانی") از یکسو و جمهوری اسلامی از طرف دیگر ندارد و صرفا به بالایی ها محدود نیست. بلکه علیرغم همه بگیر و ببندهای جمهوری اسلامی و یا درهای بسته و "محرمانه" بودن و غیره، بیش از هر وقت دیگر مردم بطور آشکار بعنوان طرف سوم در این مذاکرات و در این دعوای غرب و جمهوری اسلامی مطرحند و بنوعی حضور دارند.

نقش و حضور مردم البته به این مشاهدات و این ظواهر محدود نیست. یا صحیح تر، این مشاهدات تنها انعکاسی از يك وضعیت پایه ای تر است که توجه به آن نه فقط برای درك همین شواهدی که اشاره شد بلکه مهمتر برای درك حرکت مردم و چهارچوبه تاثیر گذاری آنها حیاتی است. باید یادآوری کرد که کل شرایط جهانی، منطقه ای و داخلی که در متن

اینبار ماجرای کهنه و کسالت آور "مذاکرات هسته ای" (که صورت ظاهر رابطه جمهوری اسلامی و غرب است) يك ویژگی متفاوت و امید بخش بچشم می خورد و آن نقش و دخالتگری مستقیم و غیر مستقیم مردم در این رابطه است.

برای مثال، این فقط حسن روحانی نیست که برای تقویت موقعیت خود در مقابل مخالفین داخلی خواهان "نظر سنجی" از مردم میشود و یا مکررا "انتخابات اخیر" و "رای مردم" را به رخ میکشد. نتانیاهو هم برای پیشبرد سیاست خود علی الحساب از رجزخوانیهای معمول نظامی اش کم کرده و در عوض دست به دامان مردم ایران میشود که جلوی اتمی شدن جمهوری اسلامی را بگیرند. مفسرین و سیاستمداران غربی پنهان نمی کنند که وجه تاثیر گذار تحریم ها (که عامل مهم کشاندن جمهوری اسلامی پای میز مذاکره قلمداد میشود) بویژه خطری است که از ناحیه خشم و ناراضی مردم از اوضاع اقتصادی متوجه ثبات و آینده رژیم حاکم بر ایران است. نقش و حضور مردم در مدیای اجتماعی علیرغم همه فیلترینگ و محدودیت رژیم اسلامی چنان برجسته است که جوانان در ایران نه فقط در مورد "مساله هسته ای" با امثال نتانیاهو دیالوگ میکنند و با جهان رابطه میگیرند بلکه امثال روحانی و ظریف و حتی "تویتر آقا" هم باید آنها را به حساب آورد. و این فقط محدود به مدیای اجتماعی نیست، حضور و دخالت بینندگان و شنوندگان

از صفحه ۳

از صفحه ۶

## دولت روحانی و غولی به نام "هدفمندی یارانه‌ها"

## مساله هسته ای و نقش مردم!

طرحی نمیروند. موضوع اینجاست که مردم هم طلب خود از بابت یارانه های نقدی را می خواهند. هم خواهان افزایش فوری دستمزدها و سطح حقوقهایشان هستند و هم زیر بار قیمت گران کالاهایی چون برق و گاز و آب نمی روند. جنبش علیه بیکارسازی ها و دستمزدهای پرداخت نشده نیز گسترده است. این داستان واقعی غولی به نام "هدفمند کردن یارانه ها" است.

## پاسخ چیست؟

بحث بر سر زندگی و معیشت ما کارگران و مردم است و باید در مورد تصمیمات و اقدامات و سیاستهایی که در پیش میگیرند هوشیار باشیم. باید بدانیم که حکومت می خواهد بازهم از معیشت بخور و نمیر ما بزند. در نتیجه این مهم است که ما نسبت به هر تغییری در اقدامات اقتصادی حکومت با هم بحث کنیم و اجازه ندهیم که بیش از این بار اقتصاد ویرانشان را روی دوش ما بیندازند. این بسایر مهم است.

دولت روحانی قرار است بودجه سال ۹۳ را در آذر ماه سال جاری تحویل مجلس دهد و موعد اجرایی شدن مرحله دوم طرح یارانه هایشان را آغاز سال جاری اعلام کرده اند. مساله اینجا نیست که سه دهک را حذف میکنند یا نمیکند. راه افتادن بحث بر سر اینکه چه تعداد از مردم در لیست چندرغاز "یارانه نقدی" رژیم قرار میگیرند، بطور واقعی خود مقدمه ای برای نپرداختن همین یارانه های نقدی به همه مردم است. از جمله پیشنهاد دادن بن کالایی به جای یارانه نقدی را هم در آستین دارند. ما خواستار تامین و رفاه برای همه مردم هستیم.

اما مساله اصلی اینجاست که با اجرای شدن مرحله دوم "طرح هدفمند کردن یارانه ها" و افزایش قیمت کالاهای حامل انرژی شوک دیگری بر زندگی ما کارگران و ما مردم وارد میشود. قیمت ها دهها برابر از آنچه امروز هست بیشتر میشود. باید صف اعتراض خود را برای تقابل با چنین تعرضی به زندگی و معیشت مان متحد کنیم.

قیمت ها هر روز افزایش می یابد و هیچ بحثی از افزایش سطح دستمزدها متناسب با سطح واقعی قیمت ها در میان نیست. در برابر تدارکات رژیم اسلامی برای حمله به زندگی و معیشت مان با جنبش تعرضی خواست افزایش دستمزدها را قدرتمند تر به جلو بریم. جنبشی که هم اکنون در میدان است و هزاران امضا حول خواست افزایش فوری دستمزدها در سطح کارخانجات و در استانهای مختلف گرد آمده است. وسیعا به این جنبش و به این حرکت بپیوندم.

از هم اکنون يك قلم قیمت گاز و برق را افزایش داده اند. تا بلکه از محل ارقام اضافه شده بر آن و اقداماتی از این دست تا آخر سال ۹۲ را سر کنند. همین اقلام موردی افزایش قیمت برق و گاز بر افزایش دیگر قیمت ها تاثیر فوری خود را گذاشته است. با پرداخت نکردن قبض های برق، گاز، آب میتوان کل طرحهایشان را روی سرشان خراب کرد.

بعلاوه در برابر فقر گسترده ای که تمام وجوه زندگی ما را در بر گرفته است، جمع شدن حول خواستهایی فوری دیگرمان همچون طب و درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان در تمام سطوح آموزشی، تامین اجتماعی برای همه بازنشستگان با دستمزدی

نقش انفعالی دارد و ارزیابی و جهت گیری درست خود نسبت به اوضاع را به شعارها و حرکات تعریف شده و تاثیر گذار تبدیل نمی کند. این گرایش میتواند مصدر حرکت وسیعی در جامعه باشد که صراحتا شعار توقف کامل فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی، توقف فوری همه تحریم ها، آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو حجاب اجباری، افزایش دستمزدها، برقراری آزادی های سیاسی و مدنی، توقف فوری حمایت جمهوری اسلامی از رژیم اسد و جریانان اسلام سیاسی و غیره را بعنوان يك "بسته پیشنهادی" و در واقع پلاتفرم دخالتگری خود در قبال مذاکرات هسته ای و رابطه غرب و جمهوری اسلامی مطرح کند. دنیایی از امکان دخالتگری در میدیای اجتماعی و رسمی فراهم است و این گرایش معمولا به اعلام بدبینی

مکفی و در حد يك زندگی انسانی، بیمه بیکاری برای همه مردم آماده بکار اعم از زن و مرد، متوقف شدن فوری بیکارسازیها و بازگشت به کار همه کارگران اخراجی، پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده، همه و همه يك گام مهم در عقب راندن تعرضات هر روزه رژیم اسلامی به زندگی و معیشتیمان است. صف اعتراضمان را حول این خواستها متحد کنیم. مبارزات کارگران بازنشسته تامین اجتماعی حول خواست بیمه درمانی کامل، مبارزات هر روزه کارگران علیه بیکارسازیها و دستمزدهای پرداخت نشده همه و همه زمینه ساز و بستر گسترش اعتراضات سراسری حول خواستهای سراسری و رفتن بسوی اعتصابات گسترده

نسبت به سرانجام رابطه جمهوری اسلامی و غرب اکتفا میکند!

لازم به تاکید نیست که هر درجه که گرایش اول فعال تر به میدان بیاید و شعار و پلاتفرم روشنی را در جامعه مطرح کند، بخش وسیعتری از گرایش دوم را به خود جلب خواهد کرد. چرا که گرایش دوم در واقع بخاطر نبود يك نیروی فعال سیاسی و تاثیر گذار است که امید خود را به تقویت بخش هایی از جمهوری اسلامی می بندد که مدعی برخی اصلاحات هستند.

اما در مورد گرایش دوم باید به صراحت توهمات اصلاح طلبانه آنرا نقد کرد و نشان داد نهایتا راه به جایی نخواهد برد. با گرایش دوم باید يك دیالوگ صمیمانه وسیع و اجتماعی را دامن زد. باید به این گرایش نشان داد که کل روش و استراتژی آن مبتنی بر يك توهم است و همواره سر بزنگاه قربانی این یا آن جناح جمهوری

کارگری است. آخرین تاکید بر قدرت تشکل و اجتماعات ماست. گرد آمدن حول کانال جدید و انعکاس صدای اعتراضاتمان از چنین تلویزیونی که بینندگان بسیاری گردش جمع هستند، اتکا بر مجامع عمومی کارگری و تصمیم گیری متحد و جمعی کارگران حول مبارزه بر سر خواستهای فوری و سراسری خود، سازمان دادن تجمعات

اسلامی خواهد شد. چنانکه قبل از این شده است. از روحانی آبی گرم نخواهد شد چنانکه از خاتمی و کروبی و موسوی نشد. اینها حتی پنهان هم نمی کنند در زمینی که قانون اساسی جمهوری اسلامی و از جمله بنا به مصلحت ولی یعنی خامنه ای به آنها داده شده بازی میکنند. اینها نهایتا مخملی بر مشت آهنین جمهوری اسلامی اند. و نظیر این. اما باز باید تاکید کرد که این نقد و دیالوگ انتقادی تنها وقتی میتواند بخوبی جواب دهد که همراه با تحرك فعال و اثباتی گرایش اول باشد.

۱) نظیر آنهایی که فکر میکنند خود خامنه ای آستین ها را بالا زده که رابطه با غرب را حسنه و عادی کند و جمهوری اسلامی را متعارف کند. البته باید بگویند "متعارف تر". چرا که اینها یادشان رفته وقتی همین مدالها را گردن احمد نژاد آویزان میکردند و قسم میخوردند که او کلک ولی فقیه و روحانیت را خواهد کند و جمهوری اسلامی را عنقرب متعارف خواهد کرد!

اعتراضی در مقابل مراکز قدرت رژیم اسلامی و جلب حمایت وسیع جامعه، شرکت فعال خانواده های کارگری در مبارزات کارگری، اطلاع رسانی از اخبار اعتراضات کارگری و مبارزات مردم در سطح جامعه و رسانه ای کردن آن همه و همه ابزارهای مهمی برای قدرتیابی مبارزات ما کارگران و ما مردم است. این ابزارها را قویا بدست گیریم.\*

International Committee Against Stoning

(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution

(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)

0049-177-569-2413



## بمباران شهرها و کشتار مردم سوریه توسط رژیم اسد ادامه دارد

محمد شکوهی

نسل کشی قرن ۲۱ می باشد. در شهرهایی که تحت محاصره کامل ارتش اسد قرار دارند، روزانه دهها نفر کشته و زخمی میشوند. راههای خروج از این شهرها توسط ارتش مسدود شده است و صدها هزار نفر بدون کمترین امکانات غذایی و دارویی در معرض تهدید گرسنگی و انواع بیماریهای عفونی قرار دارند. براساس آخرین برآوردها از بیش از ۱۱۰ هزار نفر کشته، صدها هزار نفر زخمی و بیش از ۶ میلیون نفر از مردم سوریه آواره شده اند.

مردمی که دو سال پیش با آغاز انقلاب خود و به امید رهایی از شر دیکتاتوری به پا خواستند با وحشیگری رژیم اسد و با دخالت مستقیم جمهوری اسلامی سرکوب شدند. در کنار این دار و دسته های رنگارنگ اپوزیسیون اسلامی و بورژوازی با استفاده از وضعیت بوجود آمده بر انقلاب مردم تسلط پیدا کرده و به بهانه مقاومت مسلحانه در برابر رژیم اسد، انقلاب مردم را حاشیه ای کرده و کنترل اوضاع را در دست گرفتند. سرنگونی رژیم اسد هنوز هم يك مطالبه بر حق و مشروع مردم سوریه می باشد.\*

است که در کنار جنایات رژیم اسد در سرکوب مردم و مخالفان، به کشتار هر روزه مردم ادامه میدهند.

اما ویرای این توافقات و زدو بندهای دار و دسته ها، دولت و باندهای مختلف ذی نفوذ در سوریه، کشتار مردم توسط رژیم اسد ادامه دارد. شهرهای درعا، حلب، ادلب، حمص و حومه دمشق مورد شدیدترین بمبارانها و حملات ارتش اسد قرار دارند. بر اساس گزارشات منتشر شده در جریان این حملات صدها نفر کشته و هزاران نفر مجروح گشته اند. صدها هزار نفر در اطراف شهرهای نامبرده از ترس بمبارانها و جنگ های جاری خانه و کاشانه خود را رها کرده و آواره کوه و دشت گشته اند. هزاران مجروح و اکثرا زنان و کودکان به علت کمبود و نبود ابتدایی ترین امکانات پزشکی و دوا و درمان عملا با مرگ تدریجی دست پنجه نرم می کنند. صلیب سرخ و گروههای امدادی در تلاش برای ارائه خدمات به مردم آواره می باشند، که با مخالفت رژیم اسد روبرو شده است. این سازمانها ماهها پیش هشدار داده اند که آنچه در سوریه میگذرد بزرگترین

در این کنفرانس شرکت نمایند. سازمان ملل و روسیه خواهان شرکت جمهوری اسلامی در این نشست بوده و اپوزیسیون اسد مخالف آن می باشد. چانه زنی های اپوزیسیون و کشورهای غربی بر سر نحوه و ترکیب شرکت کنندگان کنفرانس ژنو ادامه دارد. در کنار حکومت بشار اسد جنگ دار و دسته تروریست اسلامی مورد حمایت عربستان و قطر نیز برعلیه مردم و مخالفانشان کماکان ادامه دارد. این دار و دسته ها از وضعیت پیش آمده و به دنبال سرکوب و عقب نشینی انقلاب مردم سوریه وارد صحنه سیاسی سوریه شده و دست به جنایات بی شماری برعلیه مردم زده و میزنند. يك بخش از جنگی که امروز در سوریه در جریان می باشد، جنگ این دار و دسته های تروریست اسلامی با نیروهای "اپوزیسیون مخالفان" بر سر تسلط و کنترل مناطقی از سوریه می باشد. جنگی که در نهایت بربریت و جنایات اسلامی توسط این دار و دسته ها و در اساس برعلیه مردم، در جریان می باشد. سوریه امروز جولانگاه دار و دسته های جنایتکار آدمکش اسلامی شده

سلاح های شیمیایی می باشد. سیاستی که اسد هم نهایت استفاده را از آن کرده و به بمباران شهرها و کشتار مردم ادامه میدهد. در بند نهایی قطعنامه سازمان ملل در مورد سوریه که يك ماه پیش منتشر شده آمده است که در طول نظارت سازمان ملل بر عملکرد رژیم اسد مبنی بر نابودی زردخانه شیمیایی اش، رژیم با همکاری سازمان ملل مقدمات برگزاری "انتخابات" در ماه مارس سال آینده را فراهم خواهد آورد. بدنبال این توافق رژیم اسد حکومت قانونی از نظر آمریکا و غرب و سازمان ملل بوده و میشود با این حکومت وارد هر زد و بندی شد. در این میان رژیم اسد که فرجه ای برای تجدید قوا بدست آورده است، در صدد نهایت استفاده از این توافق می باشد. اسد اعلام کرده است که در انتخابات سال آینده دوباره کاندید خواهد شد و غرب و سازمان ملل هم مشکلی با این امر ندارند.

سازمان ملل البته قول برگزاری کنفرانسی در اواخر ماه نوامبر در مورد سوریه را داده است که به گفته این سازمان قرار است نیروهای مخالف اسد هم

به دنبال توافق سه هفته پیش غرب با رژیم اسد مبنی بر نابودی سلاح های شیمیایی، فرصتی برای رژیم اسد پیش آمد تا با خیال راحتتری و این بار به بهانه "جنگ با تروریستها" به بمباران شهرها و کشتار مردم سوریه ادامه بدهد. در این میان ژورنالیسم نان به نرخ روز خور و مدیا هم با در بوق و کرنا کردن این توافق رژیم اسد با غرب، کل توان خود را در باره "اهمیت این توافق" به کار گرفتند و اخبار و گزارشات کشتار مردم و جنگ و جنایات جنگی رژیم اسد برعلیه مردم را به حاشیه راندند. در این سکوت خبری سازمان یافته مدیا، رژیم اسد به جنایاتش در کشتار مردم ادامه میدهد. بطور متوسط روزانه دهها نفر در اثر بمبارانها شهرها و حملات نیروهای دولتی به مردم کشته و صدها نفر زخمی میشوند.

سازمان ملل هم با اعزام نیروهای ویژه برای نابودی سلاح های شیمیایی رژیم اسد، همراه با آمریکا کل سیاست خودشان را روی این موضوع متمرکز کرده و بطور ضمنی اعلام کردند از آنجا که نابودی سلاح های شیمیایی چندین ماه و حداقل تا اواخر ماه مارس سال ۲۰۱۴ طول خواهد کشید، و برای به سر انجام رساندن این پروژه، به اسد نیاز داشته و وی فعلا میتواند در قدرت بماند. از نظر اینها اسد میتواند به کشتار مردم بدون استفاده از سلاح شیمیایی ادامه دهد و اینها هم سرگرم کنترل سلاح های شیمیایی اسد میشوند تا بعد از اتمام این کارها، يك بار دیگر در باره "آینده سوریه" در کنفرانسی به بحث و بررسی اوضاع سوریه بپردازند. این سیاست کثیف آمریکا و غرب و همراهی سازمان ملل در واقع تائید ادامه سرکوب مردم توسط رژیم اسد، البته این بار بدون





## اعدام پس از اعدام، قتل عمد مضاعف

مهراب دشتی



اعدام به نوعی کسب کار جمهوری اسلامی شده است و اموراتش بدون اعدام پیش نمی رود. از زمان روی کار آمدن دولت روحانی با شعارهای "اعتدال و تدبیر و امید" به طور متوسط در هر روز ۴ نفر اعدام شده اند. بنا به آنچه که روزنامه های دولتی گزارش کرده اند، روز چهارشنبه ی گذشته، مردی که پس از به دار آویخته شدن به سردخانه ی پزشکی قانونی منتقل شده بود، بعد از ۲۴ ساعت زنده شد. این اتفاق نادر باعث خوشحالی خانواده این مرد و همه مردم شد. اما این واقعه، خشم و حس انتقام جویی مزدوران حکومتی را نه تنها فرو نماند، بلکه شعله و رتر هم ساخت.

این اتفاق برای مردی افتاد که متهم بوده که سه سال پیش، در حین حمل یک کیلو گرم مواد مخدر از نوع کریستال دستگیر شده و در بجنورد (از شهرستان های خراسان شمالی) زندانی و سرانجام حکم اعدام در مورد او اجرا شده بود. فردای روز اعدام وقتی بازماندگان مرد اعدام شده به پزشکی قانونی مراجعه کردند تا جسد را تحویل بگیرند، متوجه شدند که درنایلون کاور جسد در نزدیکی بینی، بخار جمع شده است. مسئولین پزشکی قانونی بلافاصله جسد مرد اعدام شده را به بیمارستان بجنورد انتقال دادند و در آن جا اقدامات پزشکی و مراقبت های ویژه روی آن مرد انجام شد و برابر گزارش خبرگزاری جام جم، حال عمومی مرد رو به بهبود است. دو دختر این مرد با شنیدن خبر خوشحالی زائد الوصفی از خود نشان می دهند اما این خوشحالی دیری نمی باید چرا که قاتلان رسمی و قانونی از پا نمی نشینند. محمد عرفان قاضی دیوان عدالت اداری در این زمینه می گوید:

"حکم صادر شده از سوی دادگاه انقلاب، حکم مرگ بوده و اصلت رای مشخص است و در چنین مواردی حکم بار دیگر اجرا خواهد شد."

این قاضی جنایتکار برای قانونی جلوه دادن این جنایت هولناک به آئین نامه مجازات مصوب سال ۱۳۸۲ اشاره می کند و می گوید:

"با مداوا و بهبود محکوم و تأیید سلامت وی از سوی پزشک معتمد پزشکی قانونی، حکم قابل اجرا می شود."

ددمنشای ماموران مرگ و قانونگزاران ضدبشر و آدمخوار اسلامی حاکم بر ایران از لا بلای جمله و کلمه به کلمه ی گفته های نماینده ی قضایی رژیم پیدا است.

این اصرار جنون آمیز بر کشتن انسان ها نمونه ی بارز و آشکاری است تا یک بار دیگر و مشخصا نشان دهد که اعدام، قتل عمد دولتی است. دولتی که برای کشتن انسان ها نقشه دارد. تدارکات وسیع اداری و قانونی را از قبل فراهم کرده، قانون وضع کرده، زندان ساخته است، قاضی تربیت کرده و ماموران اجرای احکام استخدام کرده است. پزشکان معتمد! به خدمت گرفته و نادرترین اتفاقات متصوره را در زمان و بعد از کشتن انسان ها پیش بینی کرده است تا مولای درز قوانین و عملیات آدم کشی اش نرود و حکم خدا! تعطیل نشود!

آنچه که جنبه تراژیک به این مرگ مفاجات می دهد، کینه ی لاجوجانه ای است که در ذهن بیمار قانونگزاران آدمکش شریعت اسلامی وجود دارد که به وسیله ی آن مرگ مجدد یک متهم و محکوم موجه جلوه می کند. تراژدی دیگر این واقعه ی جنایتکارانه، مداوای این مرد از مرگ جسته است. تلاش های

مقامات رژیم برای بازیابی سلامت و زندگی این مرد بازگشته از جهنم اعدام، انساندوستانه نیست. بلکه فراهم نمودن شرایط بازگشتی و برپا کردن دوباره ی دار مرگ و تکمیل این نمایش شنیع و وحشیانه است.

این حادثه را واقعه ی تاریخی مشابهی را بیاد می آورد که در زمان ناصرالدین شاه قاجار و امیر کبیر رخ داد. علی محمد باب را به دار آویخته بودند. مردمی که در محل اعدام جمع شده بودند، شورش کردند. ماموران برای ارباب مردم، تیرههایی شلیک کردند. تیری به طناب دار اصابت کرد و باب به زمین افتاد و پا به فرار گذاشت. ماموران به طرف باب و مردمی که با او می دیدند شلیک کردند و عده ی زیادی را به خاک و خون کشیدند ...

واقعه ی کشتار مردم در روز دار زدن باب یک بار دیگر نشان می دهد که نهاد مذهب همواره در حکومت های مسلط بر ایران حضور داشته و شریک قدرت و جنایت بوده است و چه خوب است که ملی - مذهبی ها و ناسیونالیست های دوآتشه و سینه چاکان کوروش و داریوش و نادر شاه فاتح هند و رضاشاه این را بدانند و فراموش نکنند.

آنچه که به این واقعه بر می گردد، عطش سیری ناپذیر جانیان حکومت به کشتن است که خود را نشان می دهد. و اینکه اعدام فقط ابزاری برای ارباب و ایجاد وحشت در بین مردم است. اعدام یک جنایت و قتل عمد دولتی است اما اعدام دوباره و پس از اعدام، فقط قتل عمد مضاعف است. ماشین زنگ زده ی آدمکشی جمهوری اسلامی با اعتراضات پیگیر و سراسری و با برانداختن این رژیم ضد بشری از کار خواهد افتاد.\*

**مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است.**

**مجازات اعدام**

**وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل**

**عمد است.**

**منصور حکمت . مصاحبه با فصلنامه**

**خاوران پائیز ۱۳۷۹**

## به تمام رسانه ها و مردم دنیا بگوئید! جمهوری اسلامی ایران قصد دارد، مردی را که یک روز بعد از اعدام زنده شده، مجددا اعدام کند! این واقعه در دوره روحانی معتدل اتفاق می افتد!

شده و اقدامات پزشکی به او کمک کرده که حالش بهبود یافته و اکنون خیر رسیده که کاملاً خوب است. یکی از بستگان این مرد گفته ما برای تحویل گرفتن جسد رفتیم و شنیدیم که او زنده شده و اکنون بویژه دو دختر او بسیار خوشحال هستند.

در این مورد محمد عرفان قاضی دیوان عدالت اداری گفته حکم صادره حکم مرگ بوده و در چنین مواردی با بهبود این مرد باید مجددا اعدام شود.

اینجا قرون وسطی است. حکومت اسلامی ایران همه مرزهای دناثت و رذالت را در نوردیده و قصد اعدام مجدد این مرد را دارد. کمیته علیه اعدام از همه می‌خواهد بپا خاسته و علیه این رفتار شنیع و جنایتکارانه حکومت اسلامی اعتراض کنند.

نباید بگذاریم این فاجعه اتفاق بیفتد. به یاری دختران علیرضا بشتابید.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۵ اکتبر ۲۰۱۳

Mina Ahadi  
0049 (0) 1775692413  
minnaahadi@gmail.com  
minnaahadi-iran.blogspot.co.uk  
stopstonningnow.com  
notonemoreexecution.org  
ex-muslim.de

محکوم شده و در حضور جلادان و قصابان اسلامی در زندان بجنورد اعدام شده بود. او را چهارشنبه ۹ اکتبر اعدام کرده اند و پنجشنبه ۱۰ اکتبر مترادف با روز جهانی علیه اعدام مجددا زنده شده است.

علیرضا - م ۱۲ دقیقه بالای طناب دار بود و جانین بعد از اطمینان از قتل او و بعد از معاینه توسط پزشک مستقر در محل اعدام، او را به سردخانه منتقل کردند.

صبح روز بعد یکی از کارگران سردخانه که جسد را برای تحویل دادن به خانواده آماده می‌کرد، با دیدن بخار مقابل بینی جسد که زیر نایلون مشخص بود، شاهد نفس کشیدن علیرضا میشود. او را بلافاصله به بیمارستان امام علی در بجنورد می‌برند. او مجددا زنده

کمیته بین المللی علیه اعدام به همه نهادهای بین المللی، به سیاستمداران و به دولتها و به همه مردم دنیا هشدار میدهد، نگذارید علیرضا - م پدر دو فرزند را مجددا اعدام کنند. این درخواست دو دختر علیرضا از جامعه جهانی است. آیا این دنیا چنان بیرحم است که نمیتواند جلوی اعدام مجدد یک انسان و یک پدر را بگیرد. اینرا دختران علیرضا میگویند.

خبرگزاریهای جمهوری اسلامی ایران روز سه شنبه ۱۵ اکتبر برابر با ۲۳ مهرماه اعلام کردند که یک مرد جوان ۳۷ ساله پدر دو دختر، بیست و چهار ساعت بعد از اجرای حکم اعدام در سردخانه زنده شد و به بیمارستان منتقل شد. او به اتهام نگهداری یک کیلو شیشه به اعدام

## باج خواهی دادگاه تجدید نظر استان کردستان از فعالین کارگری

اسلامی در سنج بارها به آنان ابلاغ شده و هر بار با مخالفت این دو فعال کارگری مواجه شده و اعلام کرده اند که آنها در دفاع از حقوق خود و هم طبقه ایهایشان کوتاه نمی آیند.

تعیین جزای نقدی از سوی رئیس دادگاه سنج باجگیری آشکار از این دو فعال کارگری است. دادگاه رژیم در سنج می کوشد با پرونده سازی و وارد نمودن اتهامات واهی و بی اساس علیه فعالین کارگری، کارگران را از داشتن تشکلهایشان محروم کند و مانع گسترش اعتراضات کارگری علیه شرایط سخت زندگی، شغلی و وضعیت معیشتی آنها شود. داشتن تشکل کارگری مستقل از دولت عضویت در آن، اعتصاب و اعتراض به وضعیت فلاکتباری که حکومت اسلامی به کارگران و اکثریت جامعه تحمیل کرده است، حق بی چون و چرای کارگران است. شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا هیچ گونه جرمی مرتکب نشده اند. این نهادهای سرکوب جمهوری اسلامی هستند که با باج خواهی و محروم کردن کارگران از تشکلهایشان و تحمیل فقر و بیکاری بر آنها مرتکب جرم شده اند. باید جمهوری اسلامی را ناچار کرد که به این باجگیری ها و به قرار تعقیب قضایی و زندان علیه فعالین کارگری و دیگر فعالین سیاسی خاتمه دهد. باید برای آزادی همه کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی به میدان آمد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ اکتبر ۲۰۱۳  
۲۵ مهر ۹۲



هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال بازداشت از سوی نیروهای امنیتی در دی ماه ۱۳۹۰، بعد از ۵ روز زندان آزاد شدند. این فعالین کارگری بعدا در شعبه اول دادگاه انقلاب سنج به محاکمه کشیده شدند. قاضی دادگاه روز پنجم اسفند ماه ۱۳۹۱ در جلسه محاکمه این کارگران رسماً و علناً به آنان اعلام کرد در صورت استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران حکم برائت شان را صادر خواهد کرد. این اظهارات رئیس دادگاه

طبق خبری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان کردستان حکم شش ماه حبس تعزیری مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه را که از سوی دادگاه بدوی انقلاب بر علیه این دو نفر صادر شده بود، شکست و آنرا به ۶۰۰ هزار تومان جزای نقدی تبدیل کرد. این حکم جهت اجرا به شعبه ۴ دادگاه اجرای احکام شهر سنج ارجاع شده است. شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای

## در تقابل با جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران

گزارش یک هفته فعالیت

مینا احدی

برایم جالب است.

### سخنرانی در شهر آخن آلمان

سخنرانی سر ساعت شروع می‌شود و برگزار کنندگان خوشحال هستند که استقبال از سخنرانی زیاد است. من حدود یکساعت حرف می‌زنم. بعد از این



فرانسه را می‌شناسم، می‌گویند خانم احدی در مورد ۱۰ اکتبر می‌خواهم مصاحبه داشته باشم. با کمال میل این مصاحبه را انجام می‌دهم و روانه سفر می‌شوم. با احمد رحمانی در مرکز شهر آخن ابتدا پدر و پسری را ملاقات می‌کنیم که چهار سال است در آلمان زندگی می‌کنند و هنوز پاسخ مثبتی برای پناهندگی شان نگرفته اند. آنها را از قبل و از کردستان می‌شناسم و دعوت کرده‌ام که به همراه ما به این جلسه بیایند چرا که از قبل در یک نامه از دعوت کنندگان شنیدیم از قضات دادگاههای رسیدگی به پناهندگی نیز چند نفر دعوت شده اند و می‌خواهم در حضور خود این افراد با قضات و یا اگر شانس بیاوریم با مسئول پرونده آنها حرف بزنم.

با عجله سوار می‌شویم و راهی کلن می‌شویم. روز بعد باید به فرانکفورت بروم. ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام است و سرمان بسیار شلوغ.

### میتینگ اعتراضی در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی در فرانکفورت

۱۰ اکتبر پنجشنبه ساعت هشت صبح آماده هستم و از کلن به همراه فعالین کانون دفاع از زندانیان - کلن قرار است در یک

تکان دهنده است، تقریباً همه اشک میریزند و جمیله که گویی برای اولین بار میتواند حرفهایی که سالها در دلش در این مورد تلنبار شده را بیرون بریزد با تمام وجود حرف می‌زند. او میگوید:

من يك مبارز علیه اعدام هستم ولی اینجا می‌خواهم بگویم چگونه با این موضوع مثل يك كودك آشنا شدم. او با صدای رسا ادامه می‌دهد. من بچه بودم که به ملاقات بستگان زندانیان رفتیم که محکوم به اعدام بودند. من هنوز یادم می‌آید که دیوارهای زندان چقدر بلند بودند هنوز سنگینی این دیوارها را احساس می‌کنم. ما در آنجا با محکومین به اعدام با افرادی از خانواده خودم که قرار بود اعدام شوند حرف زدیم و من شاهد و ناظر این صحنه‌ها بودم. من در آنجا به یکی از این محکومین به اعدام که به چشم های من نگاه کرد و گفت، بنظر میرسد که تو کسی هستی که میتوانی صدای ما را به بیرون از این دیوارها ببری، قول دادم که صدای آنها باشم، اما متأسفانه آنها اعدام شدند. جمیله با صدایی بغض کرده و با تمام وجود فریاد می‌زند که من صدای آنها هستم. من صدای آنها را منعکس می‌کنم. وقتی به جمعیت نگاه می‌کنم می بینم تعداد زیادی با بغض جمیله همراه شده در حالی که نم باران میبارد آنها آرام آرام اشک میریزند.

جملیله و با صدایی رسا می‌گوید حکومت اسلامی جز جنایت فقر و فحشا و نابرابری چیز دیگری به ارمان نیاورده و باید این حکومت را سرنگون کرد.

در این میتینگ چند بار آقای بیگدلی سازمان دهنده این حرکت اعتراضی سخنرانی میکند و از من هم می‌خواهد که چند بار در مورد مبارزه علیه اعدام سخنرانی کنم. در فاصله این سخنرانیها من يك مصاحبه با آقای میریان از رادیو فردا انجام می‌دهم.

سازماندهندگان این میتینگ يك ابتکار جالب بخرج داده و به نحو سمبلیک چند صد

میتینگ در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی در فرانکفورت شرکت کنیم. ساعت حدود ۱۰ صبح اتوبوس ما حرکت میکند. در این فاصله با یکی از فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام امیر از برلین حرف می‌زنم که قرار است امروز ساعت ۱۱ صبح معاون سفیر دولت مالزی در برلین را ملاقات کند. او نماینده کمیته علیه اعدام است که می‌رود در مورد حکم اعدام دو زن یعنی ندا و شهرزاد که در مالزی به اعدام محکوم شده اند با نمایندگان دولت مالزی ملاقات کند. امیر می‌گوید برای این ملاقات آماده است و آخرین حرفها را باهم می‌زنیم.

ساعت ۱۳ میتینگ علیه اعدام در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی شروع می‌شود. شعار می‌دهیم و در فضایی بارانی عکسهای خمینی و خامنه ای را که روی آنها به زبان فارسی و آلمانی نوشته شده قاتل، زیر پا له می‌کنیم. سخنرانان در مورد



جنایات جمهوری اسلامی حرف می‌زنند و یا شعرهایی علیه اعدام خوانده می‌شود.

یکساعت از این میتینگ سپری شده که جمیله میرکی بالای سکویی می‌رود و سخنرانی می‌کند. این سخنرانی بسیار

جفت کفش را همراه دارند که به یاد بیش از ۴۰۰ نفر اعدام شده در فاصله فروردین تا مهر ماه ۹۲ در ایران است. این کفشها را می‌خواهند به کنسولگری رژیم تحویل دهند.

### ملاقات با معاون سفیر مالزی در برلین، برای نجات دو زن محکوم به اعدام

در این میان تلفنم زنگ می‌زند و امیر از برلین گزارش می‌دهد که معاون سفیر را ملاقات کرده و مفصل توضیح می‌دهد که او چه گفته و آنها چه پاسخی داده‌اند. مجموعاً امیر این ملاقات را مهم ارزیابی می‌کند و می‌گوید احساس اینست که ۹۵ درصد میتوان امیدوار بود که این دو زن نجات یابند. ضمن اینکه امیر می‌گوید آنها می‌گویند قاچاقچی مواد مخدر باید مجازات شود و او می‌گوید منم جواب دادم که ما آمده ایم بگویم اعدام جنایت است و نباید در هیچ موردی از جرائم اعدام به عنوان مجازات بکار برده شود. او می‌گوید شاید این دو زن سالها باید در زندان بمانند، چرا که فضای حرفهای معاون سفیر چنین بود.

هنوز این میتینگ به پایان نرسیده که به دلیل اینکه باید به محل نمایشگاه کتاب در فرانکفورت بروم به همراه دوستان محل میتینگ را ترک کرده و نمایشگاه کتاب فرانکفورت می‌روم.

### سه روز در نمایشگاه کتاب فرانکفورت

مستقیم از محل میتینگ به محل نمایشگاه می‌رویم. در آنجا در يك غرفه بزرگ می بینم که دوستان و فعالین کمیته علیه اعدام و سنگسار، ایران سولیدارتی مشغول به کار هستند. شهناز مرتب چهره معروف و آشنا در فرانکفورت، مشغول دادن توضیحات به مردمی است که از نمایشگاه عکس ما در این غرفه در مورد

## در تقابل با جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران

### شنبه چهارمین روز نمایشگاه، روزی که در این نمایشگاه به روی عموم باز است.

از ساعت نه صبح آنجا هستیم. امروز بسیار شلوغ است و بازدید کننده بسیار زیاد است و ما مدام مشغول بحث و صحبت و دیدن دریایی محبت از سوی مردم هستیم. بسیاری کار ما را مهم ارزیابی کرده و برایمان موفقیت آرزو میکنند. پلیس بارها به ما مراجعه کرده و می پرسد آیا کسی مزاحم ما شده است، چون شعارهای ضد اسلام سیاسی و ضد حجاب و غیره داریم، نگران هستند که به ما حمله بشود و ...

ما از طرف مردم با گرمی فراوان استقبال شده ایم و مزدوران حکومت اسلامی جرات نزدیک شدن به غرفه های ما را ندارند. یکی دو مورد می بینیم که افرادی از غرفه جمهوری اسلامی از مقابل غرفه ما رد میشوند ولی حتی جرات نگاه کردن ندارند.

### اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی در ایران و سوریه

ساعت سه بعد از ظهر با

هماهنگی با دوستانی از سوریه که آنها را از قبل می شناسیم، قرار است به همراه فعالین سیاسی از سوریه در مقابل و یا داخل غرفه جمهوری اسلامی و احتمالا روسیه رفته و به آنها اعتراض کنیم.

تعدادی از این افراد با اجرای یک فلاش موب، در مورد بمباران شیمیایی مردم در سوریه، به افشاگری از رژیم بشار اسد میپردازند. سپس وارد سالن جمهوری اسلامی در نمایشگاه کتاب بین المللی میشوند.

اولین بار است که به این غرفه می آیم. اینها یک سالن را گرفته و در حقیقت در یک سالن مستقر هستند و جدا از بقیه مشغول کار خود هستند. در نگاه اول شعار الله اکبر و غیره نمی بینیم. من و وفا جلال مسئول دوستان سوریه ای میپرسیم، اینجا غرفه جمهوری اسلامی است و دوستان ما میگویند این محوطه به جمهوری اسلامی تعلق دارد. قرار است در ابتدا ما فارسی حرف بزنیم و سپس وفا به انگلیسی و آلمانی سخنرانی کند و حرفهایشان را بزند.

ما در مقابل غرفه جمهوری اسلامی که گویا مسئولین رژیم در آنجا نشستند، توقف میکنیم و در ابتدا من به زبان فارسی چند کلمه حرف میزنم و میگویم حکومتی که جنایت میکند و نویسنده میکشد و اعدام میکند، نباید در اینجا حضور داشته باشد و سپس میگویم جمهوری اسلامی ایران فاشیست است و در ایران جنایت

میکند در سوریه نیز به کمک بشار اسد شتافته و دستش به خون مردم سوریه آلوده است و ما به همراه دوستان سوریه ای برای اعتراض اینجا هستیم. سپس محمد امین کمانگر سخنرانی بسیار با احساس و محکمی میکند علیه جنایات حکومت اسلامی و با صدای بلند میگوید شما همه جنایتکار هستید کسانی که در ایران زبان هر منتقد و نویسنده ای را میبرند، چگونه آمده اند در نمایشگاه کتابی که باید مظهر دفاع از آزادی بیان باشد. بعد از او وفا جلال سخنرانی میکنند او میگوید دستهای شما به خون ۱۵۰ هزار نفر مردم سوریه آلوده هست. میخواهم یکی از شما ها به من پاسخ دهد، چرا؟ جمهوری اسلامی ایران از حزب الله و بشار اسد دفاع میکند و یک جنبش مردمی برای آزادی و منزلت انسانی را سرکوب میکند.

هنوز حرفهای وفا تمام نشده که یکی از مسئولین زن نمایشگاه نزد ما آمده و میگوید ما شما را کاملا درک میکنیم، شما حق دارید اعتراض کنید، فقط الان در چند قدمی اینجا یک برنامه اعطای جایزه به یک نویسنده برزیلی است و صدای بلند شما مانع برگزاری این برنامه میشود. پس الان اینجا برنامه را خاتمه دهید و سپس بعد از اتمام جلسه ما مجدداً بیایید.

ما رهسپار در خروجی غرفه

ادامه صفحه ۱۳



مورد موقعیت زنان در ایران و در اسلام دیدار میکنند و از این پوستره های بزرگ و جالب، عکس میگیرند و همه تقریباً با بغض به این تصاویر نگاه میکنند.

سه روز فعالیت در نمایشگاه

کتاب فرانکفورت برای من یک

تجربه با ارزش است صدها نفر از

غرفه ما دیدار میکنند و

ساعتها گفتگو با مردم بسیار

جالب است. تعدادی حتی

نمیدانند سنگسار هنوز وجود

دارد، ولی تعداد بیشتری نه فقط

مطلع هستند بلکه ما را و کمیته

علیه سنگسار را می شناسند.

خستگی ساعتها سرپا ماندن و

حرف زدن، با ابراز لطف و محبت

مردم به ما از تنمان بیرون

میرود. ما چند نفر هستیم که

مدام مشغولیم. دو غرفه داریم

یکی در بیرون سالن که دوستانی

که آنجا هستند، محمد امین

کمانگر، نوید محمدی و علی

مطمئن، کامبیز و... هوا در

آلمان بسیار سرد شده و در جنوب

آلمان بارش برف مشکلات عدیده

ای ایجاد کرده است. غرفه ما در

بیرون در مقابل در ورودی روبروی

غرفه جمهوری اسلامی است.

باعکسها و تصاویری از زندانیان

سیاسی، ندا و ستار بهشتی،

کارگران زندانی و شعار بزرگ

سرنگون باد حکومت اسلامی!

در داخل سالن نیز یک غرفه

بزرگ داریم که در طول چهار روز

مورد بازدید هزاران نفر بود و

ساعتها بحث و افشاگری در

مورد موقعیت زنان در ایران و در اسلام دیدار میکنند و از این پوستره های بزرگ و جالب، عکس میگیرند و همه تقریباً با بغض به این تصاویر نگاه میکنند.

سه روز فعالیت در نمایشگاه

کتاب فرانکفورت برای من یک

تجربه با ارزش است صدها نفر از

غرفه ما دیدار میکنند و

ساعتها گفتگو با مردم بسیار

جالب است. تعدادی حتی

نمیدانند سنگسار هنوز وجود

دارد، ولی تعداد بیشتری نه فقط

مطلع هستند بلکه ما را و کمیته

علیه سنگسار را می شناسند.

خستگی ساعتها سرپا ماندن و

حرف زدن، با ابراز لطف و محبت

مردم به ما از تنمان بیرون

میرود. ما چند نفر هستیم که

مدام مشغولیم. دو غرفه داریم

یکی در بیرون سالن که دوستانی

که آنجا هستند، محمد امین

کمانگر، نوید محمدی و علی

مطمئن، کامبیز و... هوا در

آلمان بسیار سرد شده و در جنوب

آلمان بارش برف مشکلات عدیده

ای ایجاد کرده است. غرفه ما در

بیرون در مقابل در ورودی روبروی

غرفه جمهوری اسلامی است.

باعکسها و تصاویری از زندانیان

سیاسی، ندا و ستار بهشتی،

کارگران زندانی و شعار بزرگ

سرنگون باد حکومت اسلامی!

در داخل سالن نیز یک غرفه

بزرگ داریم که در طول چهار روز

مورد بازدید هزاران نفر بود و

ساعتها بحث و افشاگری در

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
 account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
 Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

### کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC  
 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
 Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
 Shomare hesab: 15 13 50 248  
 Adres: EINDHOVEN  
 IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America  
 277 G Street, Blaine, Wa 98230  
 phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
 Account number : 99 - 41581083  
 wire: ABA routing # 026009593  
 swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس  
 و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
 sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
 , Bank: NatWest branch: Wood Green  
 81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
 NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:  
 از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
 کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
 مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
 از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## در تقابل با جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران



بلند ظاهرا دارد از ما شکایت میکند و میگوید عکس و فیلم گرفته شد و من شکایت دارم، اینها را به زبان آلمانی میگوید که ما متوجه شویم از ما شکایت میکند... گویی اینجا کسی که سنگسار را روی سرتان خراب کردم، آره مینا احدی هستم همان کسی که رژیمتان از من ترس دارد. مزدور جمهوری اسلامی میگوید: میدانید که زیر نظر ما هستید... و جواب میدهم شما هم زیر نظر ما هستید، بهمین دلیل اینجا بساط اتان را بهم ریختیم. ادامه میدهد کمونیست هستید و من جواب میدهم بله من کمونیستم اما شما فاشیست هستید. پلیس از راه میرسد. بمن میگوید آرام باشید تا ببینم چه خبر است من به آلمانی میگویم من مینا احدی مسئول کمیته علیه اعدام و سنگسار هستم و در اینجا میگویم که علیه این حکومت هستیم و... پلیس از آن مرد و کسی که صورتش را نمی بینم، میخواهد که آرام باشند و بعد می بینم که یک نفر از آنها را با خود میبرد. همه چیز در یک لحظه بهم ریخته و پلیس با آنها مشغول جر و بحث است و به ما میگوید میتوانید بروید. سپس ما از غرفه بیرون می آئیم. یکی از مزدوران رژیم که در داخل نیز با ما جر و بحث میکرد، با تلفنی که در دست دارد با صدای

با صدای بلند میگویم مینا احدی هستم همان کسی که محکومین به اعدام را از سلولهای مرگ شما بیرون میکشم. مینا احدی هستم همان کسی که سنگسار را روی سرتان خراب کردم، آره مینا احدی هستم همان کسی که رژیمتان از من ترس دارد. مزدور جمهوری اسلامی میگوید: میدانید که زیر نظر ما هستید... و جواب میدهم شما هم زیر نظر ما هستید، بهمین دلیل اینجا بساط اتان را بهم ریختیم. ادامه میدهد کمونیست هستید و من جواب میدهم بله من کمونیستم اما شما فاشیست هستید. پلیس از راه میرسد. بمن میگوید آرام باشید تا ببینم چه خبر است من به آلمانی میگویم من مینا احدی مسئول کمیته علیه اعدام و سنگسار هستم و در اینجا میگویم که علیه این حکومت هستیم و... پلیس از آن مرد و کسی که صورتش را نمی بینم، میخواهد که آرام باشند و بعد می بینم که یک نفر از آنها را با خود میبرد. همه چیز در یک لحظه بهم ریخته و پلیس با آنها مشغول جر و بحث است و به ما میگوید میتوانید بروید. سپس ما از غرفه بیرون می آئیم. یکی از مزدوران رژیم که در داخل نیز با ما جر و بحث میکرد، با تلفنی که در دست دارد با صدای

رژیم اسلامی میشویم. دسته جمعی بطرف در میرویم در حالیکه در این فاصله تعدادی آلمانی و کسانی که از اینجا رد میشدند از این حرکت ما فیلم و عکس میگیرند و مزدوران رژیم در مجموع خود را کنار کشیده و تعدادی از این محوطه دور میشوند. ما بطرف در خروجی حرکت میکنیم در حالیکه یک ژورنالیست آلمانی به من میگوید کار شما بسیار جالب است و من با دوستان خبرنگارم حرف خواهم زد که شما اپوزیسیون ایرانی و سوریه ای باهم اعتراض کردید.

در این حین می شنوم یک نفر از افراد رژیم اسلامی با صدایی بلند به بقیه میگوید این مینا احدی است، بر میگردم و می بینم حدود بیست - سی نفر از مزدوران حکومت اسلامی دم در ایستاده و با حالتی پریشان این صحنه اعتراض را دیده و حالا همگی دو طرف در ایستاده و به ما نگاه میکنند، بر میگردم و با صدای بلند میگویم بله من مینا احدی هستم، همان کسی که بدون وقفه جنایتهای شما و رژیمتان را افشا میکنند. و او میگوید کمونیست، این یک کمونیست است...؟! گویی حرف دیگری پیدا نمیکند که مثلا علیه من استفاده کند فقط میگوید مینا احدیه، کمونیسته...

ما آن گرایشی در جنبش کارگری هستیم که طبقه کارگر را صاحب صلاحیت و موظف به دخالت اجتماعی در مقیاس وسیع، در قلمرو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی میدانند و میخواهد کارگر در قامت ارائه کننده آترناتیوی برای کل جامعه بشری ظاهر شود. افق، نقد اجتماعی، تئوری، اتحاد برای انقلاب اجتماعی از نظر ما مهم است، همانطور که افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، آزادی اعتصاب و متحد شدن برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی اقشار کارکن جامعه در هر مقطع برای ما مهم است. هر یک از این وجوه مبین بعدی از حیات و مبارزه و ابراز وجود طبقه کارگر است و از نظر ما قابل تفکیک و قابل چشم پوشی نیست. تمام آن گرایشات اجتماعی، اعم از کارگری و غیر کارگری که این کلیت را میشکنند، که انقلاب اجتماعی را از کارگر و کارگر را از انقلاب اجتماعی دور نگاه می دارند، باید زیر انتقاد ما باشند.

**منصور حکمت - مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری - تیر ماه ۱۳۷۱، کارگر امروز**

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

موضوع

### انقلاب اکتبر و انقلابات قرن حاضر

ویژگیها، شباهتها و تفاوتها، درسها و نتایج

\* ویژگیهای انقلاب اکتبر در تمایز از دیگر انقلابات

\* جایگاه و اهمیت تاریخی انقلاب اکتبر

\* تمایز میان انقلابات قرن گذشته و انقلابات قرن حاضر

\* نقش نیروی رهبری کننده در انقلاب اکتبر

\* جنبشهای اجتماعی در عصر انقلاب اکتبر و

در دوره حاضر

\* ویژگیهای جنبش کمونیستی قبل از انقلاب اکتبر،

در دوره جنگ سرد و شرایط امروز

\* درسهای قابل تعمیم انقلاب اکتبر به شرایط امروز

### سخنران: حمید تقوائی

زمان: یکشنبه، ۳ نوامبر ۲۰۱۳

ساعت ۱۲ تا ۶ بعد از ظهر

مکان:

Toronto: North York Civic Centre

5100 Yonge St., North York

Room: 2

ورودی: ۵ دلار

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

[ebrahimi1917@gmail.com](mailto:ebrahimi1917@gmail.com)

۱۶ اکتبر ۲۰۱۳